

شیوه‌های کاهش بزهکاری در جوانان

حسن خلجی*

مرضیه محمدخانی**

اشاره

یکی از مسائل و مشکلات پیچیده جوامع امروز که توجه بسیاری از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان را به خود جلب کرده است، بزهکاری نوجوانان و جوانان است. آمارهای ارائه‌شده از سوی کانون‌های اصلاح و تربیت، نیروی انتظامی و سایر نهادهای مسئول، بیانگر آن است که پدیده بزهکاری، نهادهای فرهنگی، خانواده، آموزش و پرورش و سایر نهادها را به صورت جدی تهدید می‌نماید؛ به گونه‌ای که ارزش‌های دینی و هنجارهای حاکم بر جامعه از سوی نوجوانان و جوانان، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. بنابراین برای بقای ارزش‌های اسلامی، نهادینه کردن قوانین حاکم بر جامعه و نیز تربیت افراد شایسته، استفاده از روش‌های مؤثر در کاهش بزهکاری، ضروری می‌باشد. در این نوشتار به معرفی روش‌های مؤثر در پیش‌گیری از بزهکاری جوانان می‌پردازیم.

* کارشناس ارشد علوم تربیتی.

** پژوهشگر.

تعریف بزهکاری

بزه، عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد و لذا اقدام به عملی که برخلاف موازین، مقررات و معیارهای ارزشی فرهنگ هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین عمل خلافی شوند، مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند.^۱ بزهکار، کسی است که مرتکب عملی می‌شود که بنابر قانون برای آن مجازاتی معین شده است. از نظر روان‌شناسان، گروه بزهکار در شمار یکی از گروه‌های متنوع ناسازگاران اجتماعی هستند و از نظر حقوق دانان، گروه بزهکار کسانی هستند که به انجام دادن هر کار یا ترک کاری که برابر قانون، مجازات دارد، دست می‌بازند.

نشانه‌های بزهکاری

- مهم‌ترین نشانه‌های بزهکاری عبارت‌اند از:
- «نداشتن وقار و متانت کافی و نا آرامی؛
 - پای‌بند نبودن به اخلاق و مقررات اجتماعی؛
 - فقدان احساسات و بی‌تفاوتی عاطفی؛
 - فعالیت‌های ضد اجتماعی، زیان‌بخش و مخرب؛
 - بی‌اراده بودن در کنترل تهاجمات جنسی؛^۲
 - خوردن مشروب و حمل مواد مخدر؛
 - دزدی؛
 - اعتیاد و ولگردی.

شیوه‌های کاهش بزهکاری

بزهکاری، پدیده‌ای طبیعی و ذاتی نیست و هیچ نوجوان و جوان بزهکاری، از هنگام تولد مجرم به دنیا نمی‌آید؛ بلکه عوامل متعدد و گوناگونی او را به سوی ارتکاب به جرم و بزه سوق می‌دهد. اغلب روان‌شناسان، مهم‌ترین علل بزهکاری جوانان را عوامل

۱. محمدی‌اصل، عباس، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی، تهران: علم، ۱۳۸۵ش، چاپ اول، ص ۴۱.

۲. اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران: نشر رشد و توسعه، ۱۳۹۰ش، ص ۱۷۲.

فردی - شخصیتی و جامعه شناسان، نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماع عنوان می‌کنند. به عبارتی، گروه اول بزهکاری را ناشی از عدم خود کنترلی فرد و گروه دوم فقدان کنترل اجتماعی می‌دانند. اما آنچه همگی آن‌ها بر آن اتفاق نظر دارند، تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین و محیط‌های پر آشوب خانوادگی است که می‌تواند عاملی برای ارتکاب جوان به اعمال بزهکارانه محسوب شود.

۱. تقویت باورهای دینی

یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش بزهکاری جوانان در جامعه، تقویت اعتقاد و باورهای دینی آنان است.

دین، همان روش زندگی است که میان زندگی و پرستش خدای متعال پیوند می‌دهد و در همه اعمال فردی و اجتماعی، برای انسان مسئولیت‌خداایی ایجاد می‌کند. این مجموعه عقاید و دستورهای عملی و اخلاقی، سبب خوشبختی انسان در این سرا و سعادت جاوید در جهان دیگر می‌شود. دین، زیربنای سامان فردی و اجتماعی، و منبعی برای ارزش‌های اجتماعی است و عامل همبستگی و یکپارچگی جامعه محسوب می‌شود.

باورهای دینی، وابستگی و تعهد جوانان و نوجوانان را به قوانین و ارزش‌ها بیشتر می‌کند و ضمن تشویق به نیک‌رفتاری و انجام کارهای شایسته، آنان را از رفتارهای ناشایست و ناپسند باز می‌دارد. حضرت علی علیه السلام درباره بازدارندگی دین از انجام کارهای ناشایست می‌فرماید: «الدِّینُ یَعِصِمُ^۱؛ دین، از لغزش باز می‌دارد.»

روح‌هایی کز قفس‌ها رسته‌اند انبیا و رهبر شایسته‌اند
از برون آوازشان آید ز دین که ره رستن تو را این است این

ما به دین رستیم زین تنگین قفس جز که این ره نیست چاره این قفس^۲

آداب و مناسک دینی، به انسان‌ها انضباط شخصی و خویش‌داری را می‌آموزند و به این ترتیب، آنان را برای زندگی اجتماعی آماده می‌کنند. خداوند درباره نقش آموزه‌های دینی در جلوگیری از ناهنجاری‌ها می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ^۳؛ نماز به پا دار. به درستی که نماز، انسان را از فحشا و بدی باز می‌دارد.»

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الحکم، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۶.

۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، انتشارات نگاه، دفتر اول، بیت ۱۵۴۲-۱۵۴۴.

۳. عنکبوت، آیه ۴۵.

باد خشم و باد شهوت باد آز
 برد او را که نبود اهل نماز^۱
 شخصی به پیامبر ﷺ عرض کرد: فلانی روزها نماز می‌خواند و شب‌ها به دزدی می‌رود. حضرت فرمود: همان نماز، او را از دزدی باز می‌دارد.^۲

بسیاری از صاحب‌نظران با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در جهان، معتقدند که گروه‌های مذهبی و اصولاً افراد مذهبی، کمتر دچار بحران‌هایی مانند بحران هویت می‌شوند و کمتر در میان ایشان بزه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد. پزشکان دریافته‌اند که افراد مذهبی و متدین، در برابر بیماری‌های «سخت‌درمان»، از مقاومت و امید بیشتری برخوردارند و دین و مذهب، در ایجاد آرامش روانی آنان، بسیار مؤثر می‌باشد. کاهش افسردگی و بیماری روانی و روحی و حتی سرعت درمان بیماری‌های جسمی در آنان، به مراتب بیشتر از افرادی است که از ایمان برخوردار نمی‌باشند.

«کارل گوستاو یونگ، درباره نقش دین در ارتقای سلامت روانی انسان‌ها می‌گوید: من صدها تن از بیماران را معالجه و درمان کرده‌ام. از میان بیمارانی که در نیمه عمر خود (۳۵ سالگی به بعد) به سر می‌برند، حتی یک بیمار را ندیدم که اساساً مشکلش نیاز به یک گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک‌تک آن‌ها به این دلیل قربانی بیماری روانی شده بودند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمانی به پیروان خود می‌دهند، نداشتند و فرد فرد آن‌ها، تنها وقتی که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند، به طور کامل درمان شدند.»^۳

مورخ معروف انگلیسی، آرنولد جوزف توینبی^۴ می‌گوید: «بحرانی که اروپاییان در قرون حاضر دچار آن شده‌اند، اساساً به فقر معنوی آن‌ها باز می‌گردد. او معتقد است که تنها راه درمان این فقر و پاشیدگی اخلاقی، بازگشت به دین است.»^۵

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، پیشین، دفتر اول، بیت ۳۷۹۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۹۶، ص ۱۹۸.

۳. بوتربی، خدیجه، «وجوه مشترک بهداشت روانی در ادیان توحیدی و کتب مقدس»، مجموعه مقالات نقش دین در بهداشت و روان، قم: نشر معارف، ۱۳۸۲ش، ص ۲۶.

4. Arnold Joseph Toynbee.

۵. طاهری، حبیب‌الله، «نقش دین در بهداشت روان»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، دوره ۱، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۴.

خداوند درباره کسانی که از دین‌گريزان هستند، می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛^۱ و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم.

نُعْطِ مَنْ أَعْرَضَ هُنَا عَن ذِكْرِنَا عَيْشَةً ضَنْكًا وَ نَجْزِي بِالْعَمَى^۲

دزد چون مال کسان را می‌برد قبض و دلتنگی دلش را می‌خلد^۳

بنابراین، راه‌هایی از افسردگی و آلام روحی و روانی، تقویت اعتقاد و باورهای دینی است؛ زیرا دین، نه تنها استعداد و میل کمال‌جویی و خیرخواهی افراد را اشباع می‌کند، بلکه با اتصال آنان به مسائل ربانی و الهی، به ترسیم الگوهای هدایت و معنویت و نیز ترسیم وظیفه و نقش انسان‌ها به آن‌ها هویت می‌بخشد که این امر، به کاهش بسیاری از انحراف‌های اجتماعی و اخلاقی منجر می‌گردد.

در تمامی کارها چندین مکوش^۴ جز به کاری که بود در دین مکوش^۴

کم نشین بر اسب توسن بی‌لگام عقل و دین را پیشوا کن والسلام^۵

۲. کار و اشتغال

انتخاب شغل و به دست آوردن کار، از مهم‌ترین مسائل نسل جوان است. فرزندان، هنگامی که روزگار کودکی را طی می‌کنند و به دوران جوانی گام می‌نهند، مایل‌اند کاری به دست آورند و جایی در جامعه برای خود باز کنند تا از این طریق، شخصیت و جایگاه اجتماعی قابل قبولی داشته باشند. در واقع، اشتغال، زندگی جوانان را هدف‌مند و معنادار می‌سازد و ضمن ارائه استقلال اقتصادی، به آنان آرامش روحی و ثبات شخصیتی لازم را ارائه می‌دهد. کار، یکی از بخش‌های اساسی حیات انسان محسوب

۱. طه، آیه ۱۲۴.

۲. اشاره به سوره طه، آیه ۱۲۴: «هر کس در این دنیا از یاد ما رخ برتابد، ما نیز در عوض، زندگانی تنگی به او می‌دهیم و کوری را جزای او می‌سازیم.»

۳. مولوی، مثنوی معنوی، پیشین، دفتر سوم، بیت ۳۵۴ و ۳۵۵.

۴. همان، بیت ۱۲۸.

۵. همان، دفتر چهارم، بیت ۴۵۶.

می‌شود. کار، وجه اشتراک و شرط لازم زندگی انسان در جامعه است. در دین مبین اسلام، به کار و اشتغال، توجه ویژه‌ای شده است؛ به گونه‌ای که کار و تلاش برای به دست آوردن رزق حلال، امری واجب محسوب می‌شود: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^۱ کسب روزی حلال، بر همه مسلمانان واجب است.

کار و اشتغال، در جامعه یک ارزش محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که در روایات از آن به عنوان مجاهد در راه خدا تعبیر می‌شود. آن‌چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ کسی که برای تأمین معاش خانواده تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خدا است.

انس بن مالک نقل می‌کند: وقتی نبی مکرم اسلام ﷺ از جنگ تبوک باز می‌گشت، سعد انصاری را دید. سعد از کارگران اهل مدینه بود. او نزد رسول خدا ﷺ آمد. حضرت به وی دست داد. پیامبر وقتی زبری دست‌های سعد را در دستان خویش احساس نمود، متأثر شد و از او پرسید: ای سعد! چرا دست‌هایت چنین زبر و خشن شده؟ ناراحتی خاصی دارد؟ گفت: ای رسول خدا! زبری دستم بر اثر کار با طناب و بیل است تا پول حلال برای خانواده‌ام ببرم.

حضرت، جمله جالب و در عین حال مهمی را بیان فرمود که تعیین‌کننده نگاه اسلام به کار و تلاش و اقتصاد خانواده است؛ «فَقَبِّلَ يَدَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ قَالَ: هَذِهِ يَدٌ لَا تَمَسُّهَا النَّارُ» پیامبر اکرم ﷺ دست او را بوسیده و فرمود: این، دستی است که آتش (جهنم) آن را لمس نخواهد کرد.

دانه‌ای افشان و درختی بکار	خیز چو دهقان و تنی ده به کار
صیقله جوهر مرد است کار	سرخ‌کنِ چهره زرد است کار
گرم‌کن آهن سرد است کار	کوره دمِ همتِ مرد است کار
فرصت امکان محال آورد	کار، دل مرده به حال آورد

۱. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۹، ب ۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۸۸.

از حرکت، ایست مکن یک زمان
گر تن و جان هر دو قوی شد به
کز برکت ایست کند آسمان
کار مرد شود در دو جهان، بختیار^۱

- نقش بیکاری در بزهکاری

یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش جوانان به ناهنجاری‌های اجتماعی، بیکاری است. سربار بودن، نیازمندی، نداشتن توان اقتصادی و بلا تکلیفی، مشکلاتی هستند که منشأ آن، عدم اشتغال می‌باشد. این عوامل، سبب از بین رفتن ثبات شخصیتی جوانان شده و در نتیجه، از مقاومت و ایستادگی آنان در برابر انحراف‌ها و کج‌روی‌ها می‌کاهد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «الْكَسَلُ يُضِرُّ بِالْدِّينِ وَالْدُنْيَا؛^۲ کسالت و بیکاری، به دین و دنیا ضرر می‌رساند.» اگر چه بر سر خوان محیط مهمان است صدق به کد یمین می‌کند گهر حاصل^۳

ابن عباس در روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اهمیت اشتغال و تأثیر آن بر دین‌داری افراد را این‌گونه بیان می‌کند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا نَظَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَأَعْجَبَهُ، قَالَ: هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ؟ فَإِنْ قَالُوا: لَا، قَالَ: سَقَطَ مِنْ عَيْنِي. قِيلَ: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ؛^۴

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه به کسی نگاه می‌کرد و از او خوشش می‌آمد، می‌فرمود: شغلی هم دارد؟ اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: از چشمم افتاد. عرض می‌شد: چرا، ای رسول خدا؟ می‌فرمود: اگر مؤمن شغل و حرفه‌ای نداشته باشد، دین خود را وسیله امرار معاشش می‌کند.

اندر این ره می‌تراش و می‌خراش
تا دم آخر دمی فارغ مباش^۵
بنابراین، کار و کوشش و تلاش، نه تنها مایه تأمین زندگی دنیوی است، بلکه سبب پیوند محکم انسان با زندگی اخروی می‌گردد و انگیزه انسان را برای انجام کار و تأمین

۱. شهریار، محمدحسین، دیوان اشعار، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۹۱.

۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم: مؤسسه دار الحدیث، ۱۳۷۷ش، ج ۸، ص ۳۹۲.

۳. صائب تبریزی، دیوان اشعار، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۸۶ش.

۴. تاج‌الدین الشعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۳۹.

۵. مولوی، مثنوی معنوی، پیشین، دفتر اول، بیت ۱۸۱۹.

سعادت افزایش می‌دهد. یکی از بهترین راه‌های پیش‌گیری از گرایش جوانان به سوی بزهکاری، این است که آنان را با مشاغل متفاوت آشنا کرد و به تناسب استعداد و علاقه آنان، زمینه اشتغال را برای‌شان فراهم نمود.

۳. تقویت نهاد خانواده

خانواده، تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیر مذهبی، پذیرفته شده و توسعه یافته است و در جوامع مختلف، دارای نقش، پایگاه و منزلت‌های گوناگون است. خانواده با این‌که هسته‌ای کوچک از اجتماع است، اما در حیات اجتماعی مردم، نقش و تأثیر بسیاری دارد.

با توجه به این‌که خانواده، اولین رکن رشد و پرورش به شمار می‌رود، هر گونه اختلالی در آن، می‌تواند کودکان، نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر قرار دهد و موجبات انحراف آن‌ها را فراهم سازد. فرزندان، نخستین تجربیات خود را برای هم‌زیستی با دیگران، در خانواده می‌آموزند و رشد و فعالیت‌های آینده‌شان را پی‌ریزی می‌کنند و سعادت و شقاوت آنان، ریشه در خانواده دارد. خانواده‌ها می‌توانند مهم‌ترین اثر را در کاهش بزهکاری نوجوانان و جوانان داشته باشند و از طریق تربیت و هدایت صحیح، فرزندان را به گونه‌ای پرورش دهند که در برابر ناهنجاری‌ها و ناملایمات، از خود رفتارهای منطقی و معقول بروز دهند.

خانواده‌ها برای این‌که بتوانند فرزندان شایسته و مفید برای جامعه پرورش دهند، می‌توانند با به‌کاربردن اقدام‌ها و راهکارهای ذیل، به این مهم نایل شوند:

- اعطای هویت و شخصیت به فرزندان

شخصیت هر فرد، محبوب‌ترین پدیده مورد علاقه او است. غریزه حبّ ذات که بر اساس حکمتی الهی در وجود انسان به ودیعه گذاشته شده، آدمی را برمی‌انگیزد تا بر مبنای «خوددوستی»، خویشتن را از مخاطرات و ناملایمات مصون نگاه داشته و بقای عمر و زندگی‌اش را تدبیر نماید. چنین غریزه‌ای، انسان را به دفاع از تمامی موجودیت و شخصیتش وا می‌دارد و او را به جبهه‌گیری در مقابل هر عملی که شخصیت او را تهدید کند، برمی‌انگیزاند. از این رو، طبیعی به نظر می‌رسد که به دیگران، اجازه نفوذ

به قلمرو شخصیت خویش نهد و در حقیقت، «تحقیر شخصیت» دیگری، به این مفهوم است که ضربه‌ای را به اصلی‌ترین جنبه مورد علاقه‌اش وارد کنیم و بیشترین مقاومت را در او علیه خود به وجود آوریم. در مقابل، «تکریم شخصیت»، احساس ارزش را در فرد بالا می‌برد و رویکرد وی را نسبت به جهان درون و جهان برون، متحول می‌کند. «نکوداشت» شخصیت جوانان، نتایج ذیل را به دنبال دارد:

۱. موجب جلب اعتماد آنان به اطرافیان شده و در نتیجه، تفاهم دو نسل را باعث می‌شود؛

۲. این روش، اقتدا به سیره نبوی ﷺ و شیوه اولیای خدا است. آنان، همواره جوانان را مورد تکریم قرار داده و منزلت خاصی برای‌شان در نظر می‌گیرند؛

۳. تکریم جایگاه نسل جوان، موجب «گناه‌ستیزی» آنان خواهد شد؛ زیرا کسانی که در درون‌شان احساس عظمت و منزلت می‌کنند، نه تنها دست از گناه می‌شویند، بلکه از بروز گناهان جلوگیری می‌کنند تا جامعه سالم بماند. در مقابل، تحقیر نسل جوان، زمینه «گناه‌پذیری» را مهیا می‌کند و آنان را نومید و سرگردان، در جامعه پیچیده و دشوار معاصر، رها می‌کند؛

۴. نکوداشت شخصیت جوانان، استعدادهای نهفته آن‌ها را به حرکت در می‌آورد و آنان را به توانایی‌های بارز و آشکار پیوند می‌زند تا نیروی عظیمی که از این طریق حاصل می‌شود، برای دستیابی به هدف‌های مهم و ارزشمند زندگی، به کار برده شود؛

۵. جوانان، برای مشارکت در جامعه مدنی، به شخصیتی نیاز دارند که ابتدا مورد پذیرش خودشان باشد و بعد از آن، مورد پذیرش جامعه باشند. «تکریم نفس»، مقبولیت شخصی و اجتماعی را باعث می‌شود.

- محبت و مهرورزی به فرزندان

یکی از علل عمده اختلال‌های روانی در کودکان، گسسته شدن رابطه خانواده و یا اختلاف‌های شدید خانوادگی است. در خانه‌ای که صمیمیت و محبت وجود ندارد، کودکان نمی‌توانند ثبات روحی خود را حفظ کرده و تغییرات مطلوب را در شخصیت خویش فراهم آورند. در نتیجه، در دوره‌های جوانی، هنگام برخورد با مشکلات و

سختی‌ها، دچار تشویش و اضطراب می‌شوند و رفتارهای ناشیانه‌ای از خود بروز می‌دهند.

خانه‌ای که افراد و اعضای آن با هم کار و تفریح می‌کنند و با اتفاق نظر، تصمیم‌های مهم می‌گیرند، بی‌تردید، اعضای آن، از آرامش روانی مطلوبی برخوردار خواهند بود و در هنگام مواجه شدن با مشکلات، تصمیم‌های معقولی را اتخاذ می‌کنند؛ ولی کودکان و نوجوانانی که در خانه‌های مملو از سوء ظن و عیب‌جویی و پُر تنش بزرگ می‌شوند، آرامش عاطفی و روانی نخواهند داشت و در یافتن هویت خویش و ایجاد روابط مطلوب با دیگران، با مشکل مواجه خواهند شد.

– رفتار متعادل با فرزندان

والدینی که از رفتار ناپسند و زشت جوانان خود در خارج از منزل ناراحت و شرم‌منده می‌شوند، باید بدانند که عمل نوجوانان در خارج از خانواده، بازتاب سخت‌گیری‌هایی است که در خانواده نسبت به آن‌ها اعمال می‌گردد. به تجربه ثابت شده است، نوجوانی که در منزل با انضباط بوده و رعایت ادب و احترام و همکاری را می‌نماید، در خارج نیز همین رفتار و یا بهتر از آن را از خود بروز خواهد داد؛ زیرا ملاحظاتی را که در خارج دارند و می‌خواهند محبوب اجتماع واقع گردند، در خانه ندارند. بر عکس، نوجوانانی که در منزل بهانه‌گیر و بی‌انضباط تربیت شده‌اند، به طور مسلم در اجتماع هم بی‌انضباط و مطرود هستند. برای جلوگیری از افزایش بزهکاری در فرزندان، رعایت موارد ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱. والدین از روش‌های انضباطی سخت‌گیرانه یا بی‌بندوبار پرهیزند؛
۲. شیوه‌های انضباطی، مبتنی بر تنبیه بدنی نباشد؛
۳. تنبیه، جنبه انتقام‌جویی نداشته باشد؛
۴. والدین به جای بی‌توجهی و غفلت از فرزندان، با آنان رفتار گرم و صمیمی داشته باشند.

– ارائه الگوی مناسب به فرزندان

فرزندان در مسیر رشد از افراد بسیاری اثر می‌پذیرند و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری قرار دارند. همه آن‌هایی که اطراف فرزند ما هستند و به شکلی در او اثر دارند،

الگوی کودک‌اند؛ اما والدین، از همه آن‌ها مهم‌تر و مؤثرتر است و این اهمیت و تأثیر، تا سنین نوجوانی همچنان بر جای خویش باقی است. رفتار والدین در سنین خردسالی فرزندان، برای آنان همه چیز است. کودکان همه چیز را از آنان کسب می‌کنند؛ محبت، شفقت، وفاداری، خلوص و صفا، رشادت و شهامت، ادب و تواضع، عزت نفس، سجایای اخلاقی، درستکاری، پشتکار، سربلندی، شرافت و صداقت. این امر، آن‌چنان از نظر روان‌شناسان تربیتی گسترش دارد که برخی از آن‌ها رفتار فرزندان را انعکاسی از رفتار پدران دانسته‌اند.

سرمشق‌های بد و فاسد یا مسمومیت جو عاطفی خانواده، برای کودکان ارزان تمام نخواهد شد و زمینه را برای انحراف و تبهکاری و اتخاذ موضع ضد اجتماعی فراهم خواهد کرد. تاروپود وجود کودک، پُر از امر و نهی، ملاحظت‌ها، دیده‌ها، شنیده‌ها و یافته‌ها است. بدین سان، اگر کودکی سر از دادگاه درآورده، به زحمت می‌توان منشأ جرمی غیر از خانواده برای او معین کرد؛ حتی اگر کودکی در محیط خارج خانواده، بدآموزی‌هایی داشته باشد که به بزهکاری و انحراف منجر شود، باز هم خانواده را باید مقصر دانست؛ از آن بابت که سهل‌انگاری والدین در امر مراقبت کودک، سبب این لغزش شده است.

– استفاده از پند و نصیحت

از شیوه‌های محافظت از اعضای خانواده و تربیت صحیح آنان، نصیحت است. سیره انبیا و اولیای الهی نیز چنین بوده است که با الهام از آیات الهی به موعظه همسر و فرزندان‌شان می‌پرداخته‌اند. موعظ حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش، نصایح پیامبر صلی الله علیه و آله به همسران خویش و سایر زنان مسلمان، و همچنین تأکید آیات الهی بر محافظت خانواده از لغزش‌های احتمالی، برخی از این پیام‌های حیات‌بخش قرآن است. خداوند به اهل ایمان، هشدار می‌دهد که مواظب خانواده‌های خود باشند: «ای اهل ایمان! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگه دارید؛ آتشی که

فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، اجرا می‌کنند.^۱

شهید مرتضی مطهری رحمته الله در شرح حال استاد الفقهاء، وحید بهبهانی رحمته الله می‌نویسد:

«روزی یکی از عروس‌های خود را مشاهده کرد که جامه‌ای عالی و فاخر از نوع پارچه‌هایی که معمولاً زنان اعیان و اشراف آن عصر می‌پوشیدند، به تن کرده است. به این جهت، فرزند روحانی‌اش، آقا محمد اسماعیل (شوهر آن خانم) را مورد ملامت قرار داد که چرا برای همسرت این نوع لباس را خریده‌ای؟ پسر در جواب این آیه را خواند که: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛^۲ چه کسی زینت‌ها و روزی‌هایی را که خدا برای بندگانش آفریده، حرام کرده است؟ مگر این‌ها حرام است؟ لباس فاخر و زیبا را چه کسی حرام کرده است؟ آقا وحید گفت: پسر! نمی‌گویم که این‌ها حرام است؛ البته که حلال است؛ من روی حساب دیگری می‌گویم. ما و خانواده ما به اعتبار این‌که پیشوای دینی مردم هستیم، وظیفه خاصی داریم. خانواده‌های فقیر وقتی که اغنیا را می‌بینند که از همه چیز برخوردارند، طبعاً ناراحت می‌شوند. ما نمی‌توانیم برای طبقات کم‌درآمد این نوع لباس را تهیه کنیم؛ ولی می‌توانیم با آنان همدردی کنیم و یگانه مایه تسکین آلام‌شان، این است که یک مرد فقیر وقتی همسرش از او لباس فاخر مطالبه می‌کند، می‌گوید: ما مثل خانواده آقا وحید زندگی می‌کنیم. بین آیا زن یا عروس وحید از این نوع لباس می‌پوشد؟ وای به روزی که ما زندگی مان را مثل طبقه مرفه و ثروتمند کنیم که این یگانه مایه تسلی خاطر و کمک روحی فقرا هم از دست برود. من به این منظور می‌گویم ما باید زاهدانه زندگی کنیم تا لااقل از این مقدار همدردی مضایقه نکنیم.^۳

۱. مریم، آیه ۵۵: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا

يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»

۲. اعراف، آیه ۳۲.

۳. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا، ص ۲۲۸.

۴. تربیت بدنی

امروزه، تربیت بدنی و ورزش، به عنوان یک پدیده اجتماعی، جایگاه اجتماعی خود را در جامعه هویدا کرده است. «کارکرد اجتماعی تربیت بدنی و ورزش در توسعه و تحکیم روابط انسانی، کارکردی زیربنایی و بنیادی است که در کل ساختار جامعه و روابط موجود بین اقشار و آحاد اجتماعی، اثرات قابل توجهی بر جای می‌گذارد.»^۱ به جرأت می‌توان گفت: در جوامعی که نارسایی‌های کمی و کیفی ورزش وجود دارد، عقب‌افتادگی آن جامعه نیز چشم‌گیر است و از این رو است که ورزش، در جوامع مترقی دنیا، علاوه بر آثار بهداشتی و نقش مهم آن در سلامت یک ملت، به عنوان یک پدیده اجتماعی و عامل اقتصادی مورد مطالعه و پژوهش علمی قرار می‌گیرد.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه)، درباره نقش ورزش در بهبود و پیشرفت جامعه می‌فرماید: «همه آحاد مردم، باید ورزش را جدی بگیرند. همه باید برای سلامتی خودشان، ورزش را یک ضرورت و کار لازم به حساب آورند. جامعه ورزشکار، جامعه بانشاط و پُر تلاش و زنده و کارآمد خواهد بود.»^۲

ز نیرو بود مرد را راستی ز سستی کژی زاید و کاستی^۳

پیامبر گرامی اسلام ﷺ سلامتی بدن و توانمندی جسمانی را حق بدن بر انسان می‌داند و می‌فرماید: «انَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَانَّ لِجَسَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا؛^۴ پروردگارت بر تو حقی دارد و بدنت بر تو حقی دارد و خانواده ات [نیز] بر تو حقی دارد.» و در جای دیگر می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ وَ أَنْ لَا يَرْزُقُهُ إِلَّا طَيِّبًا؛^۵ حق فرزند (پسر) بر عهده پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را آموزش دهد و روزی او را تنها از راه حلال و پاکیزه تهیه نماید.»

۱. آقاپور، سید مهدی، جامعه‌شناسی ورزش، تهران: انتشارات سازمان تربیت بدنی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۵۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در افتتاحیه مانور فرهنگی ورزشی جانبازان و معلولان کشور، ۱۳۷۶/۰۶/۱۵.

۳. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۰، ص ۱۲۸.

۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳ش، ص ۲۹۳، ح ۱۳۹۴.

یکی از مهم‌ترین آثار ورزش، نقش بازدارندگی از انجام بزهکاری است. «ورزش و تربیت بدنی، در کاهش ناسازگاری‌های فردی و اجتماعی و کاهش فشارهای روانی مؤثر بوده و تعادل روانی ارگانیزم را برقرار می‌سازد. افراد از طریق شرکت در فعالیت‌های حرکتی، از نظر ذهنی، جسمی و روانی، تعادل لازم را کسب می‌نمایند و توانایی مقابله با مشکلات و فشارهای ناشی از زندگی مدرن را به دست خواهند آورد و همان‌طور که مشخص شده است، جُرم، نتیجه جمع‌جبری عوامل مؤثر در بزهکاری است که تحت تأثیر تعارضات گوناگون و مناقشات روانی و فشار بر نقاط ضعف شخصیت افراد و عدم توانایی مقاومت در برابر فشارهای مزبور و به هم خوردن موازنه روانی ارگانیزم، در شرایط خاص اتفاق می‌افتد.»^۱

تن زنده والا به ورزش است	که ورزش مایه زندگی است
به ورزش گرای و سرافراز باش	که فرجام سستی سرافکندگی است
ز ورزش میاسای و کوشنده باش	که بنیاد گیتی به کوشندگی است ^۲

۱. خاکپور، محمد مهدی، جرم‌شناسی زنان ناسازگار، تهران: عطایی، ۱۳۵۴ش، ص ۶۵.

۲. بهار، محمدتقی، دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، انتشارات نگاه، ۱۳۸۷ش.